



Lamb, Harold

لمب، هارولد ۱۸۹۲-۱۹۶۲ م

اسکندر مقدونی / هارولد لمب، ترجمه صادق رضازاده شفق، قم، یاران قلم، [ناشرین همکار] قلم مکنون، ابتکار دانش، گنج عرفان، ۱۳۹۰

ISBN 978-964-2545-59-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

عنوان اصلی: Alexander of Macedoney, the journey to world's end

این کتاب در سال‌های مختلف توسط ناشران مختلف چاپ شده است.

۱. اسکندر مقدونی - ۳۵۶ - ۳۲۳ ق. م - داستان ۲. داستان‌های آمریکایی - قرن ۲۰ م. ۳. شاهان و فرمانروایان - داستان ۴.

سرداران - داستان ۵. یونان - تاریخ - استیلای اسپارت و تب، ۴۰۴ - ۳۶۲ ق. م - داستان الهه رضازاده شفق صادق، ۱۲۷۴ -

۱۳۵۰ - مترجم: به قریشی، سیدحسین، مقدمه و بازنگری: ج. آقابابایی، رضا، مقدمه و بازنگری: د. عنوان

۸۱۳/۵۲

الف ۱۳۹۰ ۵ الف ۲ م / PS ۳۵۳۵

۱۳۹۰



اسکندر مقدونی

هارولد لمب

■ مترجم: صادق رضازاده شفق

□ مقدمه و بازنگری: دکتر سیدحسین قریشی، رضا آقابابایی

□ مقابله و تصحیح: بنت‌الهدی طالب، طاهره رحیمی

□ ناشر: یاران قلم

□ ناشرین همکار: قلم مکنون، ابتکار دانش، گنج عرفان

□ ناظر چاپ: مسعود حبیب‌الهی

□ چاپ: ذاکر

□ نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

□ شمارگان: ۵۰۰ جلد

□ قیمت: ۵۰۰۰ تومان

□ شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۴۵-۵۹-۹

مراکز پخش:

تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۶۵۳۹۲

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۶۵۶۷

تهران: انقلاب، جهانزاده جنوبی، پلاک ۱۴۴، واحد ۸

قم: خیابان صفائی، کوچه بیندلی، گوی جلال‌زاده، گوی شرقی، انتشارات ابتکار دانش

WWW.Ketabeparsi.com & Email: Yarane.Ghalam@yahoo.com

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

فهرست مندرجات

۷	یادداشت
۸	مقدمه
۱۱	منابع و مأخذ پیرامون اسکندر مقدونی
۱۹	سخنی درباره مؤلف
۲۱	دیباچه به قلم مؤلف
۲۳	گذرگر دونه‌ی آفتاب
۵۴	معمای شکل زمین
۹۳	دموستنیس و قبرهای خیرونیا
۱۱۳	کوه‌ها و تبس
۱۳۱	راه به سوی ترویا
۱۴۸	سرپل
۱۵۸	اولین تابستان و زمستان
۱۷۲	ایسوس
۱۸۸	زن دمشق
۲۰۴	دروازه‌های دریا
۲۲۰	بازگشت به شرق
۲۳۶	بانوی ددان
۲۵۳	تخت جمشید (پرسپولیس)

۲۷۲	پرها، خورشید و دولت شاهنشاهی
۲۸۵	بلای تجمّل
۳۰۷	رود دریا و رود ریگزار
۳۲۵	روشنک
۳۴۶	فیل‌ها و آخرین رود
۳۶۹	بازگشت به مغرب زمین
۳۸۸	فساد تمول
۴۰۱	عاقبت سیاه
۴۰۹	آب‌های بابل
۴۱۶	بعد
۴۱۸	مقدونی
۴۲۰	جانشینان
۴۲۴	قوای سائقه
۴۲۸	شهرهای کاروانی
۴۳۴	امپراتورها و عناوین آن‌ها
۴۳۷	افسانه‌ها
۴۴۳	قضاوت اخلاف
۴۵۲	حالات جنون

یادداشت

در مورد اسکندر از همان زمانی که از مقدونیه برخاست و بخش بزرگی از آسیا را در نوردید کتاب‌ها و داستان‌های متعددی نوشته شد. برخی او را فردی اساطیری دانسته و در ادبیات هفتاد و دو ملت حکایات حماسی نقل کرده‌اند و گروهی او را فردی قدیس و نجات بخش دانسته و عده‌ای لقب خون‌ریز و ملعون به او داده‌اند. از اسکندر داستان‌هایی در کتب مذهبی و غیر مذهبی ذکر کرده‌اند. او در احادیث تلمود مردی مقدس و نزد مصریان یک قدیس و در ادبیات فارسی ما به رغم آتشی که در حدود نه سال بر پا کرد، شکوت‌انگیز یاد شده و در فرهنگ ایرانی دو چهره متضاد دارد از سویی پادشاهی است اهریمنی و خون‌ریز با لقب گجسنگ یا ملعون و از سوی دیگر در داستان‌های خیال پردازانه شاهی است پیامبر گونه که همراه خضر نبی (ع) در طلب آب حیات بود و گاهی با اسرافیل همنشین می‌شد و ذوالقرنین قرآن ملقب بود و حتی برخی مورخان مسلمان چون مسعودی، ابن اثیر و ... نژاد اسکندر را از ابراهیم خلیل و یا نوح نبی می‌دانند.

هارولد لمب آمریکایی (۱۹۶۲ - ۱۸۹۲) نویسنده این کتاب (اسکندر مقدونی) با قلم شیوای خود اسکندر را قهرمانی نشان داد که از لیاقت و هوش ذاتی بهره‌مند بود و به علت برخورداری از اندیشه و انس با دانشمندان عصر، امپراتوری با عظمت بنا نهاده که در آن از قتل و غارت کمتر خبری بود. او کشتارهای دست جمعی مردم را که برای شادی روح دوستان و سربازان مقدونیش صورت می‌داد و شهرهای بزرگ را غارت می‌کرد و یا می‌سوزاند یادی نکرده و چهره بسیار مثبتی از اسکندر نشان داده است.

دکتر سید حسن قریشی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

مقدمه

اسکندر پسر فیلیپ دوم مقدونی و از مادری به نام المپاس است. وی در سال ۳۵۶ ق.م به دنیا آمد و در سال ۳۳۶ ق.م به جانشینی پدر منصوب گردید. سال جلوس او به تخت سلطنت همان سالی است که داریوش سوم هخامنشی نیز به سلطنت رسید. برخی از منابع تاریخی، سن اسکندر را به هنگام نشستن به تخت شاهی هجده سال و برخی نیز بیست سال نوشته‌اند. به نظر می‌رسد که اسکندر به وقت پادشاه شدن بیست سال از عمرش می‌گذشت، درباره‌ی اقدامات وی مقارن به دست گرفتن قدرت و فتوحات وی در سال‌های نخستین سلطنتش و پاره‌ای اقدامات سیاسی، نظامی و فرهنگی وی در فرصتی دیگر صحبت خواهد شد.

شاه جوان در ابتدای سلطنت خود با مشکلات فوق‌العاده عجیبی رو به رو بود. درباره‌ی سلطنتی در «لین ستیس» یعنی درباره‌ی آمیتاس پسر پردیکاس، که حالا جایگاه اتالوس پدر زن جدید فیلیپ شده بود، با اسکندر سر ستیز داشت. اگر فرماندهان آزموده و صدیق، به ویژه آنتی پاتر به کمک اسکندر نمی‌شتافتند، مسلماً تاریخ به گونه‌ی دیگری ورق می‌خورد. وی مردم مقدونیه را با معافیت‌های مالیاتی به طرفدرای و همدلی با حکومت جدید کشانید و باعث شد تا توده‌ها به جانشین فیلیپ روی خوش نشان دهند. در تسالی اسکندر به عنوان رئیس شورای قضات به رسمیت شناخته شد و شورای معبد دلفی را به او واگذار کرد و آخر الامر، شورای اتحادیه‌ی «کورنتی» او را به جای پدرش، به عنوان فرماندهی عالی نیروهای اتحادیه‌ی پان هلنی در جنگ علیه پارس برگزید.

تمهیدات اسکندر، با آن سرعت گنج کننده و غیر قابل انحراف، اتالوس را نیز قربانی کرد. اکنون او به کدام سو حرکت می کرد؟ با توجه به تمهیدات فوری درباره ی اقوام وحشی در شمال، او به سال ۳۳۵ ق.م علیه آن ها دست به لشگرکشی زد. خط سیرش، او را از میان رودخانه ی نستوس و از سلسله جبال بالکان به سرزمین تریالی کشانید. او حتی از دانوب سفلی نیز گذشت و شاید از حومه و اطراف سیلیستریا هم در بازگشت اخباری درباره ی جدایی شاه ایلیری، یعنی کلتوس از اتحادیه دریافت کرد. در این جا نیز دشمن خود را بی هیچ مشکلی سرکوب کرد، اما به جهت دریافت اخباری هشدار دهنده از یونان، این پیروزی کامل نشد و شاه مجبور به بازگشت شد. مرگ فیلیپ، سرزمین هلنی را در آشوب و اغتشاش وسیع فرو برده بود. اکنون شایع شده بود که اسکندر در لشگرکشی علیه ایلیری ها کشته شده است. اولین شهری که سر به شورش برداشت تب بود که اهالی آن برای ناخشنودی و نارضایتی از حکومت مقدونیان دلایل بسیاری داشتند. مقر نیروهای مقدونی در تب به محاصره ی اهالی و نیروهای این شهر درآمد. اما دیری نپایید که اسکندر با سربازان فالانژ خویش، مردم را در سرکوبی خونین و سخت نأمید کننده ای از پای درآورد.

اسکندر در یک لشگرکشی عجیب که او را از هلس پونت تا پنجاب برد، این قدرت شاهی را ربود و از آن خود کرد. این نبرد عظیم این مسئله را تا آن جایی پیش برد که شاه مقدونی طرح خود را به عنوان فتحی تمام عیار پیش بینی کرد. میان سپاه اسکندر و ارتش داریوش سوم، سه جنگ گرانیک در سال ۳۳۴ ق.م، ایسوس در سال ۳۳۳ ق.م، گوگمل در سال ۳۳۱ ق.م روی می دهد. حکومت هخامنشیان در سه جنگ مداوم، از مقدونیان به رهبری اسکندر شکست خورد. آنگاه حکومت هخامنشیان به پایان رسید و عصر تازه ای که فرجام آن بسیار هم مطمئن به نظر نمی رسید آغاز شد.

حکومت اسکندر در ایران کوتاه تر از آن بود که بتواند پس از مرگ اسکندر

در سال ۳۲۳ ق.م. در میان مغلوبان که حکومت سستی خود را از دست داده بودند ادامه یابد.

در حقیقت میوه‌ی خاصی که او از خود بر جای گذاشت، هرگز فرصتی کافی برای رسیدن نیافت امپراتوری جوان اسکندر در سرزمین‌های بیگانه فرصت نیافت که مردانی تمام عیار برای فرمانروایی و میدان سیاست تربیت کند.

دوران کوتاه فرمانروایی اسکندر ۳۲۳-۳۳۰ ق.م نیز نتوانست تمرکز و انسجام دیرین آن را باز آورد، به طوری که پس از مرگ او کشمکش میراث خواران بر سر حکومت بر این امپراتوری پهن‌ور درگرفت؛ به ویژه آن که اسکندر تا واپسین لحظات زندگی خود فرصت نیافت جانشینی برای خویش تعیین کند. حمله‌ی اسکندر مقدونی از مهم‌ترین حوادث تاریخی - نظامی سیاسی دوره‌ی باستان است که متعاقب آن با رواج یونانی مآبی در ایران، شاهد روی کار آمدن سلسله ایرانی هستیم که - به نام مؤسس آن سلوکوس، سلسله‌ی سلوکیه نام گذاری شده است که یک خلاء قدرت ملی در ایران باستان به وجود آورد که در این دوره و حوادث مهمی را برای بحث در بر می‌گیرد.

دکتر سید حسن قریشی

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

رضا آقابابایی

کارشناس ارشد تاریخ